



یادداشت

باور به تأثیر رسانه کاغذی امید به «جامعه فردا»

بهروز غریب پور

کارگردان تئاتر

یکی از چیزهایی که طی این سالها هرگز باور نکردم مرگ کتاب و روزنامه است. همچنان که با آمدن تلویزیون، رادیو نبرد و با آمدن سینما، تئاتر نمی‌میرد. با توجه به ماندگاری هنرها و تمامی حوزه‌هایی که در رشد و آگاهی مردم نقش داشته‌اند به این باور رسیده‌ام که رسانه‌های مجازی و دیجیتال قادرند که شوک‌های مهمی به مخاطبان وارد کنند اما تنها زورشان به آن دسته از رسانه‌ها می‌رسد که دست به خود احیایی خویش و تجدید حیات نمی‌زنند؛ اما نمی‌توانند قاتل رسانه‌های کلاسیک باشند؛ یک مثال ساده شاید اثبات‌کننده باورم باشد؛ مگر انواع فندک‌ها توانستند موجب نابودی کبریت‌ها شوند، کبریت یکی از نخستین زاینده‌های آتش است و حتی اجر و قرب کبریت‌ها بالاتر هم رفته است. وارد جزئیات باورم به رسانه‌های کاغذی و تأثیرشان در جامعه و اینکه چطور و چگونه به این اعتقاد رسیده‌ام، نمی‌شوم، اما ایمان دارم اگر اندیشه نو و متناسب پس برده هر پدیده‌ای باشد آن پدیده هرگز نخواهد مرد... برای روزنامه «جامعه فردا» که تازه از گرد راه رسیده آرزوی دوام و قوام می‌کنم و ایمان دارم اگر طرحی نو دراندازد ماندگار خواهد شد.

صلح ملی هدف مطبوعات متعهد به اصلاحات

ادامه از صفحه اول

یعنی بپذیرند دیگری وجود دارد، نمی‌توان وجود او را انکار کرد، قابل حذف نیست و عقاید و برنامه‌هایش در جامعه ریشه دارد. مثلاً اصلاح طلبی در جامعه ما گرایشی قابل تکذیب و حذف‌شدنی نیست و فارغ از اراده ما به حیاتش ادامه می‌دهد. در چنین شرایطی، نه‌نیازی به توافق کامل یا تسلیم کسی در برابر شخص دیگر است و نه نیاز به ترس و سوءظن و مقابله‌جویی و تحدید و گاردگیری دائمی و روحیه تهاجمی. تداوم چنین وضعیتی تکوین تدریجی تغییرات مثبت و اصلاح امور را در وطن خود می‌پرورد و ظرفیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور را افزایش می‌دهد و فرصت اقدامات ضدملی را از اجزای ناسالم و مغرض داخل و بیرون حاکمیت می‌گیرد. به نظر من، هنگامی که ساختار قدرت از یکپارچگی کامل برخوردار نیست و گونه‌هایی از مشارکت سیاسی احاد جامعه وجود دارد، خط‌مشی صلح‌دوفاکتوی ملی نتیجه‌بخش‌ترین رویکرد سیاسی و اجتماعی خواهد بود. این دیکته‌ای است که وضعیت کنونی خطیر کشور - که نیازی به شرح و بسط آن نمی‌یابم - به تاریخ مسا و ما می‌کند.

بدیهی است صلح ملی با رویکرد فوق به معنای تسلیم عمومی به بی‌عدالتی‌های سیاسی و اجتماعی، چشم‌پوشی بر فساد، جمع کردن بساط نقد شیوه‌های اداره جامعه و حکومتگری و کنار گذاشتن مطالبات اجتماعی نیست. صلح دوفاکتوی ملی به معنای پذیرش وضع حاضر از جنبه تنوع و تکثر از یکسو و متعهد بودن همه به حفظ اساس ساختار موجود سیاسی به منظور امن کردن مسیر تحرک ملی در روند حیات اجتماعی از سوی دیگر است. تحرک ملی نیز چیزی نیست جز مشارکت آگاهانه و متین در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر رای و نمایندگی، عقلای جامعه باید پیشنهاد چنین صلحی را به همه مردم و زعمای قوم بدهند و بر آن اصرار کنند. اینکه هم‌اکنون صدها هزار نفر از اعضای جامعه علی‌رغم ناخشنودی از برخی سازوکارها و با داشتن نقدهایی جدی بر موقعیت، در قالب نهاد‌های مدنی و فعالیت‌های جمعی و فردی در حیات اجتماعی مشارکت فعال می‌کنند، دستنورد و نمونه‌ای است طبیعی از رفتار مبتنی بر پذیرش دوفاکتوی وضعیت موجود که ثمربخشی و نیاز به توسعه آن در کل جامعه، در قالب صلح دوفاکتوی فراگیر را آشکار می‌سازد. دفاع اخیر برخی مسئولان رده‌بالا از ابقای یک هموطن زرتشتی در شورای شهر یزد - که مخالفان صلح با جامعه بر اساس موقعیت دوفاکتویا تمسک به شرع انور به جنگ آن رفته‌اند - نیز نمونه‌ای است از گرایش به پذیرش دوفاکتوی همزیستی هدفمند همه ایرانیان از سوی نظام، هر چند نمونه‌ای نادر است.

با پذیرش چنین میثاقی و تازمانی که این میثاق زیر پای کسانی خرد نشود، وظایف گروه‌های مرجع، مراقبت از موقعیت و نگه‌داشتن جامعه روی مسیر است و روزنامه‌نگاران اصلاح طلب کشور نیز در زمره گروه‌های مرجع هستند. به نظر من، تقویت صلح ملی می‌تواند بزرگ‌ترین هدف روزنامه‌نگاران متعهد به اصلاح طلبی در شرایط کنونی کشور باشد.

همتی برای فردا

ادامه از صفحه اول

امروز هم در آغاز حیات این روزنامه، همچنان بر همان عهد اصلاح طلبی خود پای می‌فشریم و قرار است با گروهی از روزنامه‌نگاران با سابقه و خوشنام در عرصه ملی راهی دشوار را بپیماییم. امیدواریم تا با گذاردن گام‌هایی آهسته و پیوسته، فرصتی دیگر برای تقویت رکن چهارم دموکراسی در ساختار نظام مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی برداریم. انشاء‌الله

رمز موفقیت؛ گفت و گو با مردم

یادداشت مدرس ارتباطات برای «جامعه فردا»

علی اکبر قاضی زاده

استاد پیشکوت روزنامه‌نگاری

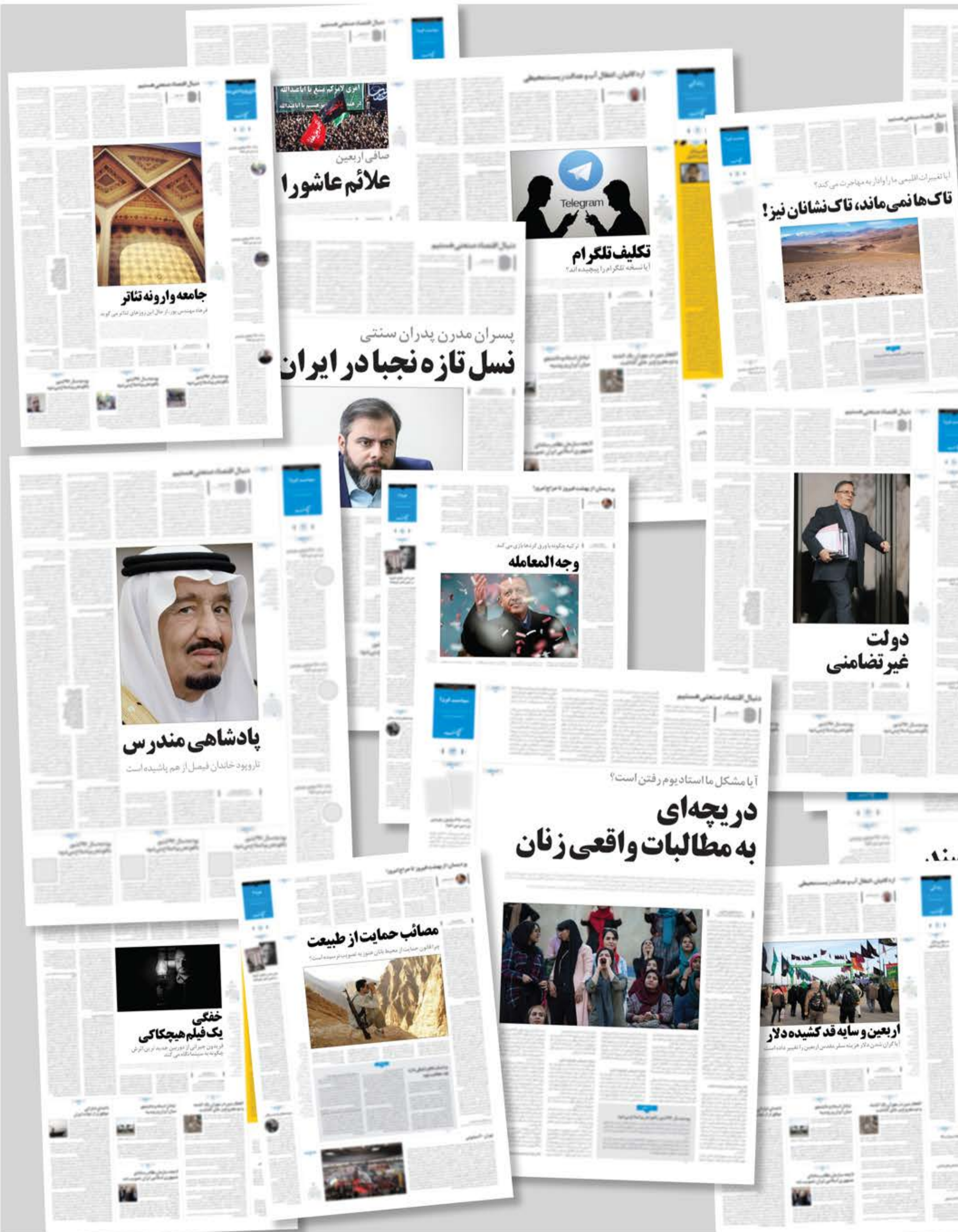


همیشه پنهان می‌آورند که رسانه‌های دیجیتال مدرن، با قدرت بسیار زیاد، گسترده و فریبنده‌ای که دارند، توان کار را از رسانه‌های مکتوب گرفته‌اند. نگارنده بر این عقیده‌ام که اگر این سخن درست باشد، کشورهای اروپایی و آسیای شرقی که به لحاظ فضای مجازی بسیار از ما جلوتر هستند، دیگر نباید در جهان اکنون، رسانه‌های مکتوب داشته باشند. اما عیب را باید در جای دیگری جستجو کرد. به نظر می‌رسد مشکل اساسی این است که رسانه‌های نوشتاری، چیزی برای به اشتراک گذاری - یا بیان دیگر، حرف مشترک - با مردم ندارند. وقتی مردم نقشی از زندگی و روزگارشان را در این رسانه‌ها نمی‌بینند، طبیعی است که از آنها روی گردان شوند و رسانه‌های نوشتاری، کم‌فروغ شوند و کم‌اقبال. وقتی روزنامه‌ها و مجله‌ها را بررسی می‌کنیم، این نکته هویدا می‌شود که غنای رسانه‌ای و توانایی‌های روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، از میان رسانه‌های کاغذی مارخارت برسته است و گویی با فقر محتوا مواجه هستند. این عقب بودن - و شاید هم بدتر، پست‌تر نسبت به گذشته درخشان مطبوعات ایرانی - نه گناه رسانه‌های مجازی است و نه قصور خواننده. باوجود آنکه دیگر در دنیای امروز، «خبر» کارکرد گذشته را در جریان ندارد اما هنوز بر این اندیشه‌ام که لطف رسانه‌های نوشتاری

آن، گروه‌ها و افراد دارای گرایش اصلاح طلبی فعال و دارای موقعیت مرجع گروه‌های کوچک‌تر، نظیر خانواده‌ها و محافل است. همچنین روزنامه باید فضای کافی برای خلق گفت‌وگوهای سازنده را بین گروه‌های سیاسی مؤثر در زمینه مسائل اجتماعی پدید آورد. روزنامه برای تخصص حوزه‌های مورد پوشش خود، با حفظ هویت محتوایی متمایز از سایر روزنامه‌ها، به پوشش مسائل اجتماعی و به‌ویژه شرایط زیست شهری با تأکید بر نقش نهاد‌های مدنی و مشارکت شهروندان مبارزه می‌کند.

ج: خط‌مشی رفتاری

۱- اتخاذ رویکرد انتقادی و حمایت توان‌آم از احزاب و گروه‌های اصلاح طلب و خودداری از ایجاد وابستگی به یک حزب یا سازمان و جلب اعتماد مخاطبان برای ایجاد نگرند چنین تصویری نزد آنها.
۲- انتقاد متطقی و مؤثر از عملکرد همه دولت‌ها و جریانات گوناگون سیاسی و ارائه راه‌حل‌های واقع‌بینانه به آنها.
۳- خودداری از کاربرد لحن خوشنیت‌بار، تمسخر آمیز و تهدیدکننده در خطاب به گروه‌های مخالف، تکیه بر گفت‌وگوهای مبتنی بر استدلال‌های توافقی و بی‌طرفی.
۴- خودداری از طرح بازپرانی سیاسی ماجراجو، کم‌مایه و فاقد هویت مشخص و دور ماندن از مسیر روزرویی با آنها.
۵- تلاش برای پدید آوردن مبانی گفت‌وگو با عناصر اصلی و جدی گروه‌های غیر همسو برای توافق بر سر حل مسائل بنیادین کشور در جهت منافع ملی و تبعیت از احسن.
۶- ایجاد عیارها و خط‌کش‌هایی مشخص و واقع‌بینانه برای ممیزی نیروهای خودمختور آشوب طلب، از گروه‌های اجتماعی دارای مطالبات هم‌راستا با منافع جمعی و ملی.
۷- دوری از اشخاص و عناصر خودمختور که پرونده‌های شخصی سیاسی داشته‌اند و از مجاری جمعی و فضاهای عمومی، مطالبه همراهی با پروژه‌های شخصی خود را دارند.



ت فرهنگ
برای این امر
فضای لازم
به کارگیری
نمایه اصلی
۷- انتخابات
در وضعیت
ی و تحلیلی
تیز توسعه
د. همچنین
کی به جامعه
کنند. هدف
ب و مدافعت
تعریف، این
دیدگاه‌های
فت مخاطب